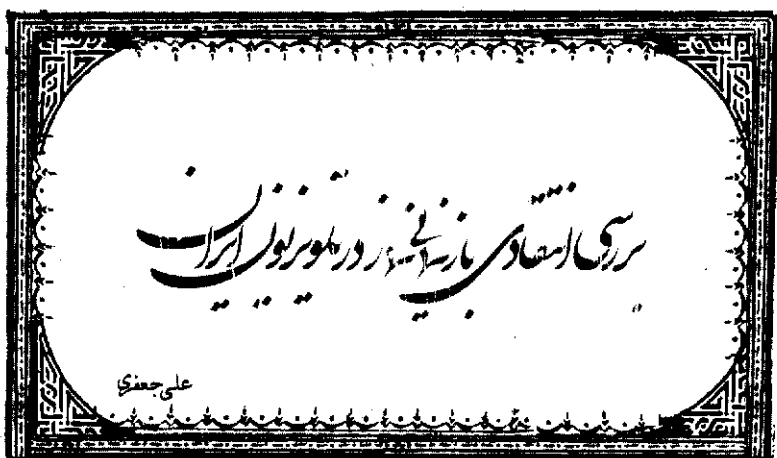


پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



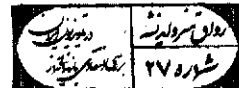
نماز برترین عبادت الهی و کانون ارتباطات انسان با خداوند است. این عبادت اصلی در اوج معنویت و عرفان از احکام و آداب شرعی بسیاری برخوردار است که مختصات بیرونی و عینی آن را تشکیل می‌دهند. اهمیت نماز چه از حیث ترویج و تبلیغی رابطه با خداوند چه از لحاظ غنای معنایی و کاربرد در ارتقای قابلیت‌های تبیینی و معنابخشی سازه‌های هنری و چه از جهت حضور به عنوان عنصری ثابت و طبیعی در فرهنگ و منش ایرانی از سالیان دور بخش قابل توجهی از تلاش‌های برنامه‌سازان تلویزیونی را به خود اختصاص داده است.

پخش برنامه‌های رایج مربوط به قبل و بعد از اذان‌های سه‌گانه صبح و ظهر و مغرب از سال‌های دور با پخش نمازهای جماعت مناطق مختلف ایران در چند سال اخیر به اوج خود رسیده است. این حجم از توجه به نماز به نسبت دیگر برنامه‌های تلویزیونی، مدت زمانی تامل‌برانگیز از آنتن شبکه‌های مختلف تلویزیونی را در اختیار گرفته است. به جرات می‌توان گفت ثابت‌ترین برنامه تلویزیون ایران در طول دست‌کم سی سال پس از انقلاب همان برنامه‌هایی است که قبل، بعد و در حین اذان پخش می‌شوند. ولی با وجود این ثبات کنداکتوری که برنامه‌ریزی برای آینده را قطعی و جدی می‌گرداند، شاید کمترین ابتکار، خلاقیت و پرداخت هنرمندانه در تلویزیون ایران مربوط به اوقات شرعی باشد. به احتمال زیاد این بی‌توجهی و بی‌تفاوتی ریشه‌های عمیقی در سیاست‌گذاری مناسبی رسانه دارد که از میان برنامه‌های مناسب‌محور نیز مناسب روزانه اذان کم‌ترین اقبال را در جلب نظر سیاست‌گذاران جهت ارتقاء و برنامه‌ریزی داشته است. به هر حال، این بخش از کنداکتور که دست‌کم روزانه نیم‌ساعت تا یک ساعت برنامه‌های هر شبکه را تا زمان‌های دور و چه بسا تا ابد شامل می‌شود، لازم می‌آورد که حداقل یک بخش ثابت از برنامه‌سازی تخصصی تلویزیون ایران فقط با دغدغه تأمین قالبها و

محتواهای متناسب و البته نو، مسؤولیت سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تولید بسته‌های فرهنگی و رسانه‌ای مناسب روزانه اذان و نماز را بر عهده بگیرند؛ نیازی که هنوز به طور جدی و ساختاری پاسخ درخوری از مجموعه‌مدیران و سیاستگذاران صدا و سیما جمهوری اسلامی دریافت نکرده است. نوشتار پیش رو ضمن دعوت از همه اندیشمندان و دغدغه‌مندان حرفه‌ای رادیو و تلویزیون برای تأمل و تکاپو در این باره، پیشنهاد تشکیل یک گروه برنامه‌ساز فعالیت‌های روزانه اذان و نماز را به هر یک از شبکه‌های تلویزیونی می‌دهد. تمرکز گروه‌های مطالعاتی و عملیاتی مذکور بر این مسئله به صورت کاملاً تخصصی و بهره‌گیری از تجارب گذشته، ایده‌های نو و همفکری مجموعه‌هنرمندان تلویزیون، قطعاً ثمرات محسوس و چشمگیری دربر خواهد داشت. در غیر این صورت یا روند غیرقابل قبول و تکراری برنامه‌های کنونی ادامه خواهد یافت (که البته یک نظرسنجی جامع می‌تواند میزان مخاطبان و نظر ایشان را در این باره نشان دهد) و یا برخی تصمیمات بدون مطالعه و خلق‌الساعه بر پیچیدگی بیش از پیش مسأله و افزودن ابعاد غیرقابل پیش‌بینی جدید خواهد افزود؛ چنان‌چه در ادامه نوشتار پیش‌رو از منظر انتقادی و آسیب‌شناسانه برخی از وجوه نه چندان مطلوب بخش این چنین نمازهای جماعت را از شبکه‌های مختلف سیما بر خواهیم شمرد.

البته نمایش نماز در تلویزیون ایران فقط مختص فعالیت‌های روزانه اذان نیست بلکه از گذشته‌های دور در برخی سریال‌های تلویزیونی صحنه‌هایی از نماز به چشم می‌خورد. جالب این‌که مشابه برنامه‌های مختص اوقات شرعی، سیاستگذاری و برنامه‌سازی در حوزه سریال‌ها نیز به همان میزان یکنواخت و تقریباً بدون تغییر است. کارگردانان ایرانی عموماً به کلیشه‌های ثابتی از نماز در نمایش تلویزیونی دست یافته و بر روی آن اجماعی ادراکی کرده‌اند. به نظر می‌رسد مخاطبان هم به چنین قالب‌های آشنایی از نماز تلویزیونی خو گرفته‌اند. در کل انگاره تلویزیونی نماز بین نسل‌های مختلف مخاطبان صدا و سیما ایران هم‌چنان یکسان و دست نخورده باقی‌مانده است.

این جمود و سکون در قالب‌ها و زبان تلویزیونی وقتی با رویکرد حداقلی در اختصاص صحنه‌های سریال به نماز همراه می‌گردد، بیش‌تر غیبت نماز از تولیدات نمایشی تلویزیون را القاء می‌کند تا حضور جدی نماز. به عبارت دیگر به دلیل تکراری شدن کلیشه‌های نمایش نماز در سریال‌های تلویزیونی، توزیع قطره‌چکانی آن در صحنه‌های سریال نه تنها باعث جلب نظر و تمنای مخاطب نمی‌گردد بلکه بسان سیاهی لشکری نه چندان تأثیرگذار و جدی از زاویه نگاه او به سرعت دور می‌گردد. به نظر نگارنده نماز از جمله استثنائاتی است که به دلیل حضور همواره و مستمر روزانه‌اش در زندگی طبیعی مسلمین در پرداخت رسانه‌ای نیز باید نشانه‌های پیوسته و مکرر اما با تغییرات وسیع و گونه‌گون در نحوه ارائه داشته باشد؛ در حالی که برنامه‌سازان به دلیل ضعف



در خلاقیت تصویری برای نمایش نماز و تهی‌دستی هنری در نحوه ارائه آن ظاهراً چاره کار را در تقلیل حداکثری صحنه‌های نماز جست‌وجو می‌کنند تا شاید آن کلیشه‌های ثابت به دلیل تکرار بسیار کم همواره تأثیر متناسب و مورد نظر را در ذهن مخاطب بر جای گذارد.

کلیشه‌های آشنا

برخی مؤلفه‌های کلیشه‌ای نسبتاً آشنای نماز در سریال‌های تلویزیونی چنین است:

۱. تکبیر، قیام و قنوت، رکوع و ایستادن بعد از سجده در سریالها غایب و نادیدنی است. بازیگران اغلب در حین برخاستن از سجده آخر نماز و یا گفتن تشهد و سلام آخر و سپس سه الله اکبر پایانی نمایش داده می‌شوند.

۲. بیش‌تر نمازخوان‌ها را شخصیت‌های میان‌سال و پیر تشکیل می‌دهند که آن‌ها نیز فقط در برخی گرفتاری‌ها و برای حل مشکلات و به جهت دعا وارد نماز شده‌اند و گرنه نماز خواندن در حالات غیراضطراری و عادی کاری معمول و رایج نیست. در این میان نوجوانان و کودکان چه در شرایط عادی و چه اضطراری غایبان اصلی صحنه‌های نمازند.

۳. نمازها معمولاً به صورت تک‌نفره یا در فضای ساکت، در جانمایی مهیا و آرامشی و صفناپذیر اقامه می‌گردند کمتر مشاهده شده است که نمازگزار فقط با گذاردن مهری ساده، بدون هیچ نوع حالت عرفانی و در وضعیتی معمول به اقامه نماز مشغول شود و یا در محل عبادت وی دیگران نیز حضور داشته باشند.

۴. نماز خانم‌ها اغلب در هاله‌ای از نورانیت چادر و مقنعه سفید و به دست‌گیری تسبیحی خوش‌رنگ و چشم‌نواز به تصویر درآمده است. نماز یا چادرهای مشکی و رنگی و به ویژه در غیاب سجاده‌های پر زرق و برق و تسبیحی درخشان تقریباً مشاهده نشده است. خانم‌ها یا بی‌نمازند و یا نماز عرفا را می‌خوانند.

۵. در نمایش اغلب نمازها معلوم نمی‌شود نمازگزار در صحنه، در حال اقامه نماز واجب است یا مستحب و یا در حال اداء صلوه ظهر، عصر، مغرب و یا عشاء است. مشخص نشدن ماهیت وجوب و یا استحباب هنگامی که با اقامه نماز انحصاراً در حین مشکلات و برای کمک گرفتن از خداوند جهت حل معضلات زندگی همراه می‌گردد، به تصور اقامه نماز مستحبی دامن می‌زند. گویا افراد برنامه روزمره نماز ندارند و فقط وقتی نماز می‌خوانند که از خداوند کمک می‌خواهند.

۶. شخصیت‌های نمازخوان سریال‌ها اغلب ستاره‌ها و قهرمانان داستانند. آدم متوسط‌ها و حتی آدم‌بدها هرگز نماز نمی‌خوانند. بدین ترتیب صفت نمازخوانی با وضعیت بهترین بودن در ابعاد گوناگون زندگی هم‌نشین می‌گردد. در این صورت شاید این چنین اتفاق افتاد که نمازگزار انسان متوسط و یا دارای عیوب رفتاری و شخصیتی بود و نماز هم خواند بلکه نماز وقتی خوانده می‌شود که انسان منزّه و مقدس و موفق باشد.

۷. در سریال‌های تلویزیونی از مقدمات واجب نماز مثل اذان، اقامه و وضو و حتی غسل خبری نیست. هیچ‌گاه از احکام نماز سخنی گفته نمی‌شود. تمام افراد به آداب و شرایط نماز آگاهند و اصلاً سؤالی ندارند. مسایل طهارت و نجاسات، شکیات، قرائت صحیح، نحوه صحیح وضو، شرایط لباس نمازگزار و مواردی بسیار از این دست مسأله نویسنده‌گان و کارگردانهای ما نبوده است.

۸. نمازهای خاص مانند نماز میت، نماز آیات، نماز عید فطر، نماز عید قربان، نماز عید غدیر، نماز شب، نماز جمعه، نماز پس از زیارت عاشورا، در هیچ سریال تلویزیونی تصویر نشده است. حتی نمازهای جماعت نیز در کلیشه‌هایی رایج، به صورت انفرادی تصویربرداری می‌شوند. جالب این‌که نماز جماعت همراه در مساجد برگزار می‌گردد. گویا نمی‌توان در خارج از مسجد نماز جماعت داشت. صحنه‌های مربوط به زیارت امامزاده‌ها به کلی عاری از نماز است و این در حالی است که نماز زیارت جزو برنامه‌ها و آداب اصلی و اولیة یک زیارت کامل به شمار می‌رود. زیارت در سریال‌های تلویزیونی عبارت است از حضور در امامزاده‌های خلوت، قفل کردن دست‌ها به ضریح و یا حرکت به دور آن و گفت‌وگوی فارسی بلند با امامزاده.

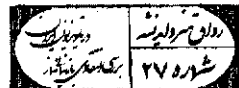
۹. نماز در حین مسافرت، نماز در هواپیما، نماز بیمارها در بستر، نماز جانبازان با عصا و یا در ویلچیر و مواردی از این دست که برای مخاطب تلویزیونی جذاب، جالب و آموزنده است، مورد غفلت جدی دست‌اندرکاران تولید است.

۱۰. در موارد متعدد و بی‌شماری از صحنه‌های سریال‌ها که به نظر می‌رسد نشان از یک عادت حرفه‌ای غیرفرهنگی است، مشاهده می‌شود که صاحبان نقش‌ها پس از طلوع آفتاب از خواب شبانه بیدار می‌شوند. این در حالی است که در بیان سریال نشانه‌ای دال بر خوانده شدن نماز صبح مشاهده نمی‌شود و به ویژه خواب سنگین و سخت‌بیدار شدن شخصیت بر چنین برداشتی صحت می‌گذارد. این صحنه‌ها در خصوص انواع شخصیت‌های مثبت و منفی به کرات تکرار شده است.

آسیب‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها

موارد پیش گفته شده نکاتی در باب انگاره نماز در سریال‌های تلویزیونی بود ولی چنانچه آمد یکی از کانون‌های اصلی نمایش نماز، برنامه‌های مناسبتی مخصوص اذان و اوقات شرعی است

۱. شاید مورد استثناء را بتوان در سریال مناسبتی زیرزمین دید که چند سال پیش از شبکه سوم در ایام ماه مبارک رمضان پخش شد و در آن به صورتی تلویحی و هنرمندانه وضو گرفتن صحیح نمایش داده شد.



که نکات جدی و قابل تأملی نیز در خصوص نحوه پرداخت رسانه‌ای به این مناسبت‌های روزانه و خصوصاً بازنمایی نماز در آن‌ها قابل بیان است که به برخی اشاره می‌شود:

۱. اولین نکته‌ای که در این خصوص جداً قابل تأمل است، تناقض معنایی در هم‌زمانی پخش نماز و دعوت به نماز است. بدین معنی که اگر هدف از پخش نماز جماعت دعوت بینندگان تلویزیونی به اقامه نماز است آیا دعوت ضمنی مخاطبان به تماشای نماز تلویزیونی مانع تحقق هدف پیش گفته نیست؟

وقتی سیاست رسانه بر این منوال است که افراد بی‌درنگ پس از رسیدن وقت اذان، آماده نماز شوند و به اقامه آن بایستند و دقیقاً به همین علت است که روند طبیعی برنامه‌ها برای قرائت اذان قطع می‌شود، بنابراین، تلویزیون نباید به دنبال بیننده باشد ولی پخش نمازهای پس از اذان معنای مرا ببینید را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین هر چقدر که در جذابیت و نوآوری ضبط، پرداخت و پخش نمازهای پس از اذان خلایقیت به خرج دهیم بیش از پیش به مخاطب کمک کرده‌ایم که وقت بعد از اذان را به تماشای تلویزیون بنشینید. بدین ترتیب هر نوع توقع آموزشی از پخش نمازها، مانند ارائه قرائت‌های صحیح و قابل تبعیت و دعوت بینندگان به عبادت الهی و به تصویر کشیدن معنویت نمازهای جماعت، تحت الشعاع کارکرد اطلاع‌رسانی، به معنی رسیدن وقت نماز و لزوم ترک محضر تلویزیون و شتافتن به سوی نماز، قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد بهترین تصمیم‌گیری قطع برنامه‌ها و حک کردن یک جمله ساده با مضامین شبیه این عنوان است که:

به دلیل مشغول شدن دست‌اندرکاران برنامه ... به نماز، تلویزیون به مدت ... دقیقه تعطیل است.

بدیهی است که چنین اقدامی از استثنافات برنامه‌ریزی تلویزیونی در جهان تلویزیون است؛ زیرا طبق یک عرف جا افتاده بسیار سنتی هر نوع قطع برنامه‌های رادیو و تلویزیونی اقدامی غیرحرفه‌ای و کاهنده مخاطب ارزیابی شده است. در این عرف هیچ چیزی مهم‌تر از حفظ ارتباط مخاطب با رسانه نیست چون همه منافع از دل



این ارتباط بیرون می‌آید در حالی که در مکتب ارتباطی اسلام، ارتباط با خداوند تقدم رتبتی و زمانی بر همه انواع ارتباطات انسانی دارد پس در چهارچوب اسلامی، قطع برنامه‌های تلویزیونی برای نماز نه تنها غیرمعقول نیست بلکه ابتناء کاملی به عقلانیت اسلامی دارد. در غیر این صورت هر اقدام دیگری نهایتاً به نقض غرض فرهنگی رسانه خواهد انجامید.

۲. نحوه ورود تلویزیون به اذان و خروج از آن تقریباً بدون مدیریت و پیش‌بینی‌های لازم فرهنگی ارتباطی است. مصداق بارز این بی‌تدبیری تلاقی برنامه‌های جذاب و مورد پسند مخاطبان با اوقات شرعی و قطع یکباره آن‌هاست. چنین انقطاع‌های آسیب‌زا که به راحتی یا مدیریت پخش پیام در کنذاکتور شبکه‌های تلویزیونی قابل حل و دغدغه‌مندی در خصوص آن امری ضروری و سهل‌الفهم است متأسفانه هم‌چنان در سامانه پخش تلویزیون به چشم می‌خورد، بدین ترتیب و دقیقاً پس از پخش اذان و نماز، مجری شبکه که از قراین موجود در سواد رسانه‌ای مخاطب، خود به نماز اول وقت بی‌اهمیت بوده است، سراسیمه در صحنه تلویزیون حاضر می‌شود و ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات بینندگان، آن‌ها را به مشاهده ادامه برنامه دعوت می‌کند. البته در شرایط کنونی که پس از اذان مدتی از زمان پخش به نماز می‌گذرد جملات کلیشه‌ای مجری‌ها معقول‌تر است و گرنه در زمان‌هایی نه‌چندان دور که هنوز تلویزیون سیاست پخش نماز را در پیش نگرفته بود واقعاً مجری آرزوی قبولی اعمالی را داشت که هنوز محقق نشده بود و با مخاطبین صحبت می‌کرد که اصلاً فرصت برخاستن به نماز را نداشته‌اند!!

آسیب‌های این تلاقی‌های ناشیانه و از روی بی‌تفاوتی وقتی به اوج می‌رسد که برنامه‌های کودک و نوجوان به وقت اذان بخورد و طبق رسم همیشگی، ناگهان با قطع برنامه بچه‌هایی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند از آن‌ها خواسته شود که اجباراً به اذان و نماز پس از آن توجه کنند. به راستی چه امری می‌توانست بهتر از این به اشمئزاز کودکان از نماز و دیانت بینجامد. البته در شرایط کنونی تلویزیون ایران به نظر می‌رسد که این آسیب بزرگ در خصوص برنامه‌های کودکان برطرف شده است ولی در دیگر برنامه‌ها بعضاً و هم‌چنان به چشم می‌خورد. از طرف دیگر پخش

قرائت قرآن ضبطشده در فضای بی‌روح و مصنوعی استودیوها نه تنها از پرداخت‌های هنری حداقلی بی‌بهره مانده است بلکه در مجموعه‌آداب و مستحبات نمازهای واجب ظهر و عصر و مغرب و عشاء دستور یا توصیه‌ای مبنی بر استحباب قرائت قرآن پیش از نماز ملاحظه نشده است. معلوم نیست این سنت تلویزیونی چرا به وجود آمده است؟ به نظر می‌رسد نوعی بازنگری در کل این ساختار رسانه‌ای لازم است.

۳. چنانچه آمد قطع بی‌پروای برنامه‌های تلویزیون و پخش آمرانه مواردی خارجی و بی‌ارتباط به آن‌چه در حال پخش است یک اقدام نادر و استثنایی است که مگر در شرایط اضطراری و بنا به برخی اقتضائات خصوصاً امنیتی به وقوع نمی‌پیوندد ولی در فرهنگ اسلامی به دلیل اهمیت و اولویت ارتباط با خداوند بر دیگر امور تلویزیون باید از پررنگ‌ترین خطوط قرمز حرفه‌ای خود نیز عبور کند ولی وقتی این خرق عادت بزرگ و شبیه به معجزه در فرهنگ و عرف تلویزیونی ایران و برخی کشورهای اسلامی با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی خود اهالی تلویزیون و به ویژه مجریان و کارشناسان برنامه در حال پخش روبه‌رو می‌گردد واقعاً چه توقعی از مخاطبین می‌توان داشت؟! در حالی که تلویزیون از یک طرف هزینه سنگین گسست ارتباطی را فقط به واسطه اهمیت نماز به جان می‌خرد ولی از طرف دیگر ظهور پررنگ نماز نخواندن حاضرین در برنامه (اعم از مجری، کارشناس، هنرمندان و ...) منجر می‌شود که عایدی فرهنگی تلویزیون در ازای این هزینه‌های بزرگ تقریباً نزدیک به صفر گردد. مدیریت تلویزیون ایران قطعاً باید برای حل این مشکل تدبیرات جدی بیندیشد.

۴. نماز جماعت تلویزیون انگاره‌ای مردانه از نماز جماعت مساجد و مکان‌های مقدس را القاء می‌کند؛ گویا خانمها در هیچ کجای ایران در نمازهای جماعت حاضر نمی‌شوند در هر شهری که بروی فقط مردان را می‌بینی.

۵. گستره نمازهای جماعت شهرهای مختلف ایران بنا به هر دلیلی از صحنه تلویزیون ایران غایب است. نباید نماز را تهرانی، قمی، شیرازی و یا مشهدی معرفی کرد.

۶. در نمازهای جماعت ما اثری از کودکان و نوجوانان نیست. غیر از پخش یک نماز جماعت مقام معظم رهبری با دختران نوجوان تازه مکلف که در سال‌هایی دورتر پخش می‌شد، تقریباً نماز دیگری از نوجوانان و کودکان پخش نشده است و نمی‌شود.

۷. اگر قرار است که تماشاگران تلویزیون به اقامه نماز واجب خود در اول وقت بپردازند، پس چرا فقط نماز مغرب بدون عشاء و ظهر بدون عصر پخش می‌شود. آیا معنی این تک‌نمازها این است که برای اقامه نماز دوم بعداً وقت هست و فعلاً به ادامه برنامه‌ها توجه کنید یا منظور این است که آن‌ها را هم در وقت فضیلت خود بخوانید که در این صورت باید در وقت فضیلت آن‌ها نیز به پخش نماز پرداخت و یا این‌که نمازهای جماعت پخش شده به صورت تک‌نمازی اقامه شده‌اند؟! به نظر می‌رسد وقتی تلویزیون برای ترویج فرهنگ اقامه نماز اول وقت هزینه بالایی قطع روند برنامه‌ها را پذیرفته است دیگر اجرای ناقص مناسک نماز جماعت و عقیم گذاشتن آن وجهی نداشته باشد در حالی که چه بسا پخش ناقص، آسیب‌های دیگری را در آینده دامن بزند.

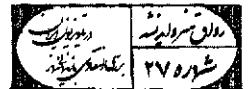
۸. تکرار مدام برخی نمازهای تاریخی مانند نماز جماعت امام امت قطعاً به تقلیل جذابیت و اهمیت تلویزیونی آن می‌انجامد. بعضاً ملاحظه شده است که دو شبکه هم‌زمان یک نماز را پخش می‌کنند و طرفه این‌که در ماه رمضان امسال (۱۳۸۷) ملاحظه شد گاهی روزها هنگام پخش نماز یکی از مراجع تقلید از یک شبکه ایشان در شبکه دیگر در حال سخنرانی پس از افطار تلویزیونی بوده‌اند!! نااهم‌انگی‌هایی این چنین به هیچ وجه قابل قبول نیست.

۹. در پخش نمازهای جماعت شهرها و استان‌های مختلف باید سعی داشت نشان‌ها و عناصری از فرهنگ بومی ایشان مانند نوع لباس، نوع مسجد، لهجه قرائت و ... لحاظ شود تا نماز واقعاً نماینده فرهنگ دینی آن منطقه باشد.

۱۰. بعضاً ملاحظه می‌شود نمازهایی که در فصول سرد سال ضبط شده‌اند در فصول گرم پخش می‌شوند که نااهم‌انگی پوشش نمازگزاران (برای نمونه استفاده از لباس‌های گرم در موقعیت فصلی تابستان) با فضای امروزی به دلزدگی و احساس تصنع مخاطب می‌انجامد.

۱۱. به نظر می‌رسد سیاست‌های اولویت‌دهی به ضبط و پخش نمازهای جماعت بیشتر ناظر به وضعیت، فیزیک، قرائت و ... امام جماعت است. هر چند که این جدیت لازم و حتمی است ولی نباید در عین حال از وضعیت مأمومین به ویژه صف اول ایشان غافل بود. وجود صحنه‌های ناهنجار و بعضاً مشمئزکننده، اکثریت افراد مسن و مواردی از این دست عموماً مورد غفلت دست‌اندرکاران ضبط و پخش بوده است.

۱۲. پخش نمازهای جماعت شیعیان از سراسر جهان نیز می‌تواند به عنوان یک پخش جدید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. برای نمونه پخش نماز جماعت *حجّت الاسلام و المسلمین سید حسن نصرالله* به همراه برادران و خواهران حزب الله لبنان اقدامی جدید و جالب خواهد بود.



۱۳. پخش نماز صنوف مختلف چنانچه در خصوص نمازهای دانشجویی در دانشگاه‌ها یا پاسداران و هیأت دولت با مقام معظم رهبری اتفاق افتاده است، ظرفیت بصری عظیمی را ایجاد می‌کند.

۱۴. قرار دادن دوربین اصلی در جلوی امام جماعت به وجه تماشاگرانه نماز جماعت دامن می‌زند. امری که قطعاً هدف اصلی از پخش نماز نیست بلکه نیت اولیه دعوت تماشاگران به نماز است. جالب این‌که دیدن نماز جماعت از روبه‌رو برای اولین بار از تلویزیون ایران توسعه و ترویج داده شد و گرنه در سابقه ذهنی و تجربه مذهبی مخاطبان، نماز جماعت به طور معمول همیشه از پشت صفاها و یا پشت امام جماعت قابل مشاهده بوده است. به نظر می‌رسد قرار دادن دوربین‌هایی در پشت صفاها و ریختن بار اصلی تصویر به دوربین پشت با اهداف پخش نماز و تجربه فرهنگی مخاطبان تلویزیون هم‌خوان‌تر باشد. به ویژه که این اقدام در خصوص تصویربرداری نماز بانوان مرجح است.

قطعاً در خصوص پرداخت به انگاره نماز در تلویزیون ایران مطالعات و مباحثات بسیار بیش‌تری لازم است. شاید نوشتار پیش رو توانسته باشد بستر مناسبی را جهت دامن زدن به گفت‌وگوهای تخصصی در این باره نه وجود آورد.

در هر حال، پیشنهاد می‌شود که در مراکز تحقیقاتی صدا و سیما، پژوهش‌هایی گوناگون و از ابعاد مختلف نظری در این باره پیگیری و اجرا گردد. ضرورت این اقدامات با بیانات اخیر مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان همایش ملی اقامه نماز سال ۱۳۸۷، و تأکید بر ظهور و بروز نشانه‌های اسلامی به ویژه نماز در جامعه اسلامی دو چندان شده است. بدیهی است صدا و سیما به عنوان جدی‌ترین و چشم‌گیرترین عرصه حیات مجازی نظام جمهوری اسلامی و ملت مسلمان ایران بیش از دیگر عرصه‌های مجازی و تصویری در معرض مطالبه رهبری معظم انقلاب است. به نظر می‌رسد با اجرای برخی تدبیرهای ساده ولی مؤثر در فاصله زمانی تا همایش ملی نماز سال آینده (۱۳۸۹) بتوان قدم‌های بزرگ و رضایت‌بخشی در این راستا برداشت.

رتال جامع علوم انسانی

